

۱ شکل روبه‌رو را بدون برداشتن قلم از روی کاغذ و بدون اینکه هیچ کدام از خطوط دو بار روی هم رسم شوند رسم نمایید.



۲ در شکل مقابل اعداد یک تا هفت را طوری در خانه‌های هفتگانه بگنجانید که هیچ عددی تکراری نباشد و ضمناً هیچ دو عد متوالی، در خانه‌ها پشت سر هم چه عمودی و چه افقی و چه ضربدر قرار نگیرد.

۳ شخصی بدون استفاده از هواپیما خود را دو ساعته به مشهد می‌رساند. چگونه چنین چیزی ممکن است؟

۴ از حضرت علی (ع) چهار سؤال پرسیده شد:
واجب و واجب‌تر چیست؟
نزدیک و نزدیک‌تر کدامند؟
عجیب دنیا و عجیب‌تر از آن محبت دنیاست
سخت قبر و از آن سخت‌تر، دست خالی به قبر رفتن است.



رخت سیاه و سبز کلاهی دارد
من در عجبم کاین چه گناهی دارد؟

آن چیست که در برگ پناهی دارد
پوستش بکنند و سینه‌اش چاک کنند



از خمی هر دو سر به هم دارد
صد منی را به پشت بردارد؟

این چه باشد که پشت خم دارد
و زن او نیست خود به صد مثقال

۵ زردم، زبرم، زیرزمین معتبرم، کلاه سبزی به سرم!



۱۱ آن چیست که چیستان است، در جیب بزرگان است، در شهر خراسان است؟



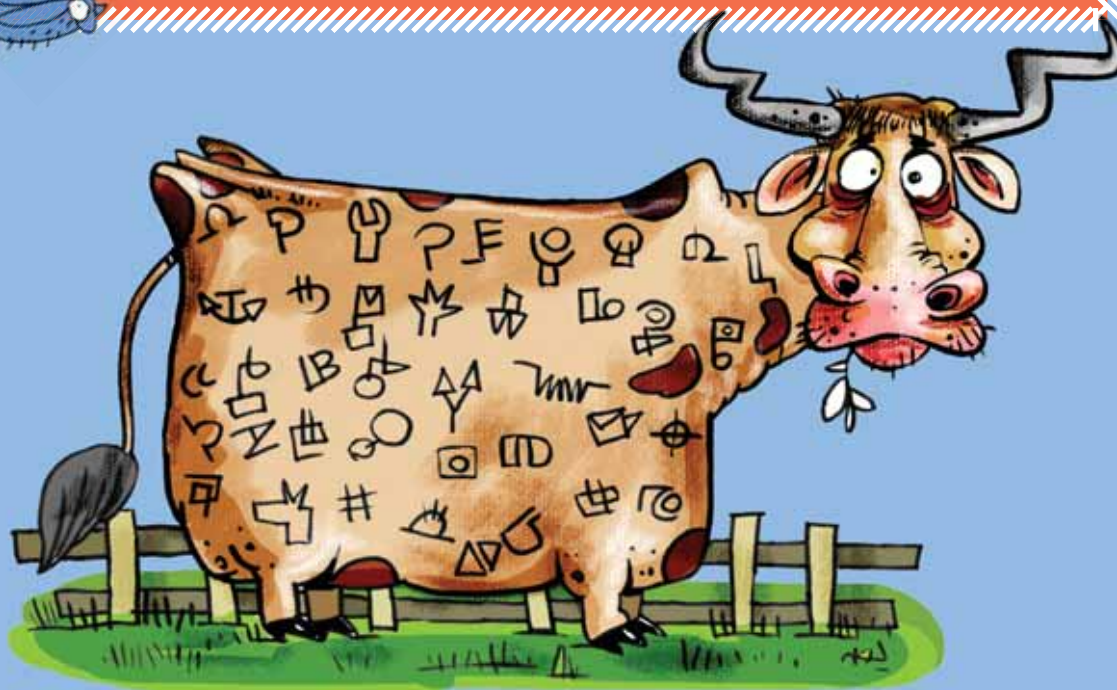
۹ به یک نفر میگن با لجن جمله بساز. میگه! بچه‌های محل همه با من لجن!

۱۰ یک نفر به میهمانی رفت و یک لقمه نان و کره و عسل خورد، سپس یک قاشق عسل خالی خورد صاحبخانه گفت: ببخشید عسل خالی دل را می‌سوزاند. مهمان گفت: دل صاحبخانه یا مهمان؟

۱۱ پسری می‌ره نون بخره می‌بینه صف مردها خیلی شلوغه، میره تو صف خانوما و می‌گه: آقاب ببخشید خواهرم گفت: سه تا نون بدین!



۱۲ جعفر بن امیه یکی از فرماندهان لشکر عبدالملک بن مروان بود. روزی از روزها جنگ سختی بین مصعب بن زبیر و عبدالملک در گرفت. جعفر که امیدی به پیروزی عبدالملک نداشت، رو ب سوی لشکر مصعب آورد و به او پیوست و در برابر سپاهیان عبدالملک به جنگ پرداخت اما دیری نگذشت که مصعب کشته شد. جعفر که دیگر امید و پناهی نداشت، دوباره رو به سوی عبدالملک آورد. وقتی در برابر عبدالملک ایستاد و از او طلب بخشش کرد، عبدالملک با خشم به او گفت: تو از ما روی بر گرداندی و به دشمن پیوستی! چرا باز آمدی؟ جعفر گفت: من بر تمام بیگانگان و دشمنان شوم قدمم! این را بارها امتحان کرده بودم. به سوی مصعب رفتم و با همین شوم قدمی کار او را ساختم و دو پاره به خدمت تو آمدم! عبدالملک به خنده افتاد و از گناه او در گذشت.



در شکل بالا کدامیک از تصاویر تکرار شده است.